

تماشاخانه

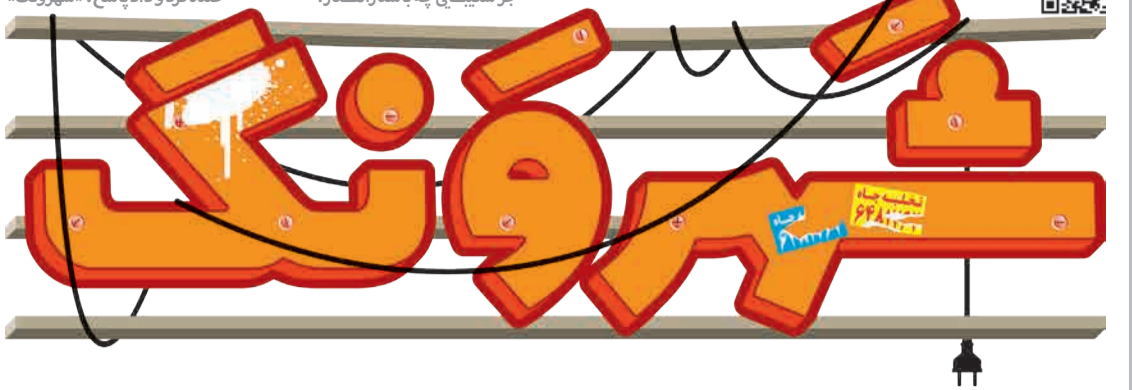
مهدی عزیزی | کارتونست | mehdi.azizart@hotmail.com



توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»

پیراگفتم: به ماشد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره پانصد و شصت و چهارم



مسئولین: ریال معتبرترین پول منطقه‌ای می شود

ریال: دوروز به روتون خندیدما!

رئیس بانک مرکزی: ولش کنید بچه‌ام رو، اینقدر بهش استرس وارد نکنید!
 پول سایر کشورها: به ما گفتند شما بالانیاید، داریم می‌ریم آمپول بز نیم!
 پراید: منم که همیشه ایمن ترین خودرو جهان بودم!
 یک فرزند: بابا اگه توام اینجوری به من اعتماد به نفس داده بودی تا الان رفته بودم ناسا!
 مومیایی: درباره کدوم ریال صحبت می‌کنید؟!
 #هنوز_اتفاق_خاصی_نیفتاده_#ریال_دوستت_داریم_#شهروند

عذر خواهی مسئولان از مردم به خاطر مشکلات اقتصادی

از جمله مشکلات ما آگاهییم
 با مردم و مشکلاتشان همراهیم
 در واکنشی سریع و بسیار درست
 از ملت خویش معذرت می‌خواهیم!

ارمغان زمان قشمی

آزادراه

داستان مرد دانا و دزدی که تاندون دستش پاره شد



وحید میرزایی
طنز نویس

روزی دزدی به بهانه خرید گوشت وارد قصابی شد. پس از اینکه در باب رابطه خطی میان نرخ ارز و قیمت گوشت به واسطه واردات نهاده‌های دامی سخن راند و حواس قصاب را پرت کرد، به دخل دستبرد زد. قصاب متوجه شد و با چاقوی قصابی خود به دست دزد ضربه‌ای کاری وارد کرد. دزد که خود را ناکام یافت، فریاد آن روز با خشم به سراغ مرد دانا رفت تا شکایت قصاب را به وی بکند. دزد با ناراحتی گفت: «ای مرد دانا من از دزدان مجرب و حرف‌های این شهرم. سال‌ها خاک صحنه خورده‌ام، زندان رفته‌ام و باز حمت بدین جایگاه رسیده‌ام، اما متأسفانه شأن من در این شهر حفظ نمی‌شود. دیروز برای دزدی به قصابی رفتم و قصاب با چاقویش دستم را از دو ناحیه برید. از تو می‌خواهم داد مرا بستانی.» مرد دانا لختی در خود فرو رفت و به مردانش دستور داد که قصاب را نزد وی بیاورند. مرد دانا به وی گفت: «درست است که دیروز با چاقو دست این مرد را زخمی کرده‌ای؟» قصاب با اشتیاق گفت: «بله درست است. او برای دزدی آمده بود و من او را به سزای عمل ننگینش رساندم.» مرد دانا با عصبانیت گفت: «زهرمار! نیشش رو ببند.» که در این لحظه قصاب نیشش را بست. کلا قصاب حرف گوش کنی بود. مرد دانا ادامه داد: «تو به خاطر آزار و اذیت دیگران سزاوار مجازاتی و باید تو را به فلک بستند.» قصاب با عجز و لابه گفت: «ای مرد دانا من گناهی ندارم. مقصر چاقوساز است که این قدر چاقو را تیز کرده که تنها با نیروی یک نیوتنی که من وارد کردم، دستت دزد برید.» مرد دانا گفت: «عجب! حق با قصاب است. بروید و چاقوساز را بیاورید.» مردان چاقوساز در مانده را آوردند. چاقوساز با گریه‌های گفت: «ای مرد دانا من بی‌تقصیرم. آن روز که چاقوی قصاب را می‌ساختم، مردی از آن جا می‌گذشت که صدایی نیکو داشت و تار می‌نواخت. من محو صدا و تار او شدم، حواسم پرت شد و چاقو را زیاد تیز کردم.» مرد دانا این بار مرد تارزن را فرا خواند و گفت: «حیذا، خوش باشم. در ملاعام بدون مجوز، کنسرت خیابانی برگزار می‌کنی، تازه باعث آسیب جدی به دزد بینوا می‌شی؟» مردان تارزن را به فلک بستند تا برای تنبیه به کف پایش چوب بزنند اما او قد بلندی داشت و پایش به فلک گیر کرد، طوری که نتوانستند او را به فلک ببندند. مرد دانا با عصبانیت گفت: «ای بابا! اگه پای دزد به فلک گیر می‌کند، خوب برای خدمت به مردم پول ۱۰ فلک را از او بستانید و آزادش کنید.» و ادامه داد: «ینم دیگه سوال داره؟ به کار ساده رو خودتون نمی‌تونید تنها انجام بدید. پس چی به شما یاد میدن تو این دانشگاه‌ها؟» مردان از مرد تارزن پول ۱۰ فلک به‌علاوه ۱۰ درصد ارزش افزوده به‌علاوه ۹ درصد خدمات مبتنی بر محتوا طلب کردند. تارزن در بهت و حیرت فرو رفته و گفت: «ای مرد دانا چرا من؟ چرا اینجا؟ مگر من چه گناهی مرتکب شده‌ام؟» مرد دانا جواب داد: «خاموش. نمی‌شود که دست دزد آسیب جدی از ناحیه تاندون دست ببیند و به خاطر بلندی قد تو، شهر را هرج‌ومرج فرا بگیرد. پس مقاومت نکن که همانا بی‌فایده است.» همه حاضران ضمن تأیید صحبت‌های مرد دانا، مرد تارزن را به خاطر اعمال زشت و غیرقانونی‌اش مذمت کرده و مرد دانا را به خاطر این درایت ستودند.



رئیس سازمان صنعت استان تهران: با ارزان شدن دلار، قیمت کالاها به مرور کاهش می‌یابد

شهروند

فلکه اول



کلاس‌های موفقیت برادرم | شهاب نویی | بالاخره چندماه پیش برادرم بعد از سال‌ها با کوله‌باری از تجربه به خانه برگشت. برایش مهمانی مفصلی گرفتیم و کل فامیل و دوست و آشنا را دعوت کردیم. او در طول این سال‌ها به اسطوره موفقیت در فک و فامیل تبدیل شده بود. خودش هم این نقشش را خیلی دوست داشت و تا گردن در قالب آن فرو رفته بود. بارها گوشم را تیز کرده و شنیده بودم که بزرگترهای فامیل هیکل ۱۲۵ کیلویی برادرم را می‌کوبند توی فرق سر بچه‌هایشان و به آنها می‌گویند: «از پس‌اوس جواد یاد بگیر. نگاه کنی از چه خانواده تریکیده و بدبختی اومده. باباش رو ببینی، روزی چهار تا پاکت سیگار می‌کشه و همش داره چرت می‌زنه. داداشش رو ببینی، ۳۰ سالشه،

تازه رسیده پیش دانشگاهی. اما خودش توی اروپا درس خونده و اولین ایرانیه که وارد شعبه طلائی ناسا در غرب اروپا شده.» چند وقتی است که به اصرار فک و فامیل، برای بچه‌هایشان کلاس‌های موفقیت برگزار می‌کند و نفری خدا تومان پول از هر کدام می‌گیرد. اتفاقاً کلاس‌ها جواب داده و چند نفرشان توی کنکور امسال، رتبه‌های زیر هزار آوردند و چند نفرشان هم که داشتند بدبخت و ورشکسته می‌شدند، کار و کاسبی‌شان سکه شد. تازه کانون چند تا خانواده را هم با هر بدبختی بود، زیرش را روشن کرد تا گرم شود و کار به طلاق و طلاق کنشی نرسد. گاهی خودم هم شک می‌کنم و اگر بارها به ملاقاتش در زندان نرفته بودم، باور می‌کردم که اولین ایرانی حاضر در شعبه طلائی ناسا در غرب اروپاست. انگار راست می‌گویند که زندان برای خودش دانشگاه است.

کوچه اول



چگونه خر نشویم؟ | داود نجفی | چک اولین حقوقم را نقد کردم و با یک جعبه شیرینی به خانه آمدم. داشتم پول پول می‌شمردم و توی ذهنم حساب می‌کردم که چندماه دیگر می‌تونم ماشین بخرم که عمورضا بابایی خندان نزدیکم آمد و گفت: «بده کمکت کنم، عموجون» همین که داشت پول‌ها را می‌شمرد، گفت: «بین داود، تو دیگه الان خیلی در معرض خطری چون پول داری آرزوی زیادی میان سمت.» تا حالا کسی این حرف را بهم نزده بود. خیلی برایم جالب بود. دستم پول از زمین گذاشتم و گفتم: «چه کار کنم عموجون؟» عمو گفت: «بین اتو قیافهات اصلاح خنده دار نیست، پس اگه کسی با خنده اومد سمت بدون می‌خواد خرت کنه.» گفتم: «چه کار کنم خر نشم؟ از کجا بفهمم خرم کرده یا نه؟» عمو در حالی که پول‌های شمرده شده را توی جیبش می‌گذاشت، گفت: «خب، خر شدن دست خود آدم نیست، ولی اگه دیدی موقع رفتن هنوز لبخند رو لبای طرفه، بدون خرت کرده.» بعد هم با لبخند دور شد.

آزادراه

دیوال! **می‌خندی؟ باید بخونیش!**
مدیریت: احمد رضا کاظمی

همه آگهی‌ها | فیلتر کردن (با بزرگسب، عکس، قیمت و ...)

استخدام خدمات / ۱ ساعت پیش

در راستای اهتمام به شایسته‌سالاری، کمیته المپیک در نظر دارد از بین جوانان مستعد مشاور کارگشته انتخاب کند. شرایط: تحصیل در مقطع دکتری روابط بین‌الملل، آشنایی حرفه‌ای با ورزش از ۵ سالگی و داشتن ژن خوب!
محل: تهران | قیمت: توافقی

طرح sharing سیگار فروشی / ۱ روز پیش

نظر به افزایش قیمت دخانیات، این دکه افتخار دارد برای اولین بار طرح شیرینگ سیگار را اجرا کند. بهمین: هر پک: ۴۰۰ تومان، وینستون: هر پک ۷۵۰ تومان! ضمناً در صورت گرفتن کام عقیق ۲۰ درصد به قیمت هر پک افزوده میشود. سست‌دود: ۱۰۰ تومان
محل: سراسری | قیمت: توافقی

ارز سقوط کرده و ارزان / فروشی / ۱ ساعت پیش

خطر سخته برای افراد بالای ۵۰ سال! دلار: ۵۲۰۰ تومان، یورو: ۶۴۰۰ تومان، پوند انگلیس: ۶۱۰۰ تومان، لیر ترکیه: ۷۵۰ تومان و سایر ارزهای رایج دنیا به نازل ترین قیمت! جهت خرید به یکی از شبکه‌های صداوسیما مراجعه کنید!
محل: سراسری | قیمت: توافقی

شهر فرنگ

کامیاب در بخش | کارتونست

منبع: کمال تلگرام هنرمند

شهر فرنگ